

ای معلم ای توان دست من
ای فروغ جان من ای هست من
از وجودت علم در من جان گرفت
شاخ و برگم معنی ایمان گرفتن
ای تو کانون صفا و عشق و شور
همچو معجونی زشوق و لطف و نور
ای که دادی پرچم امید را
ای که کاری در دلم خورشید را
ای سراپا آیه رخسندگی
ای تو جاری از کلامت زندگی
زندگی با شعله هایت روشن است
هر طرف بر نغمه هایت گلشن است
گلشن تو سر به سر نورانی است
ابرهایت تا ابد بارانی است
عشق را در دیدگانت خوانده ام
در ثنای تو بسی وامانده ام
ای معلم...

ارسال کننده سرود : فانم آسیه (فیعی از اصفهان)